

دوفصلنامه علمی پژوهشی سلفی پژوهی، سال چهارم ♦ شماره ۸ ♦ پاییز و زمستان ۱۳۹۷
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۱۳ ♦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۰۵/۲۵ ♦ صفحات: ۸۷-۱۰۲

زیارت قبور زنان در کتاب التوحید ابن عبدالوهاب و مقایسه آن با دیدگاه مذاهب اسلامی

اعظم خوش صورت موفق*

مصطفی مهاجر**

چکیده

یکی از مسائل مهم فقهی، رفتن به زیارت قبور می باشد. در اصل زیارت قبور توسط مردان هیچ اختلافی وجود ندارد؛ اما در ارتباط با زیارت قبور توسط زنان، بین مذاهب اسلامی و وهابیت اختلاف وجود دارد.

محمد بن عبدالوهاب در کتاب التوحید، روایتی که مضمون آن لعن و نفرین زیارت کنندگان زن می باشد را نقل کرده است که این مسئله بیان از حکم حرمت دارد؛ چنان که پیروان وی با استفاده از این روایت، قائل به حرمت زیارت قبور زنان هستند. علمای فریقین، برخلاف ابن عبدالوهاب و پیروان وی، به حکم جواز زیارت قبور زنان تصریح کرده اند.

علمای اهل سنت، در مواجهه با روایت نهی از زیارت بانوان معتقدند که این روایت نسخ شده است؛ لذا زیارت زنان را جایز دانسته و در مقام دلیل، به سیره حضرت زهرا علیها السلام نسبت به رفتن و زیارت نمودن قبر حضرت حمزه علیه السلام و روایاتی که از عایشه نسبت به جواز زیارت زنان وجود دارد، استناد کرده اند. آنها همچنین به روایتی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به تعلیم و چگونگی زیارت اهل قبور نقل شده و دیگر روایات این زمینه تمسک نموده و این روایات را دلیل بر جواز زیارت زنان دانسته اند.

کلیدواژه‌ها: زیارت زنان، کتاب التوحید، زیارت قبور، محمد بن عبدالوهاب، مذاهب اسلامی.

* استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب؛ a.khoshsorat@yahoo.com

** کارشناسی ارشد مؤسسه مذاهب اسلامی و پژوهشگر مؤسسه دارالاعلام لمدرسة أهل البيت علیهم السلام.

مقدمه

یکی از مسائلی که اهمیّت رفتن به زیارت قبور اموات را بالا می‌برد، تذکر مرگ و یادآوری قیامت است و این خود، موجب باز داشتن انسان از پیروی هواهای نفسانی است؛ این مسئله زمینه‌ساز عبرت‌آموزی فردی و همچنین، موجب جهت‌دار شدن زندگی بشریّت می‌باشد؛ چنان‌که در روایات نبوی به این نکته مهم نیز اشاره شده که ایشان فرمودند: «... إني كنت نهيتكم عن زيارة القبور فزوروها فإنها تذكركم الآخرة...»^۱.

عبرت و موعظه نفس، مسئله‌ای است که هم مردان و هم زنان را شامل می‌شود؛ بنابراین همه افراد را شامل می‌شود؛ اگرچه ممکن است حضور بانوان در زیارت مقابر، مفاسدی را به همراه داشته باشد، ولیکن صرف این احتمال نمی‌تواند موجب حرمت نفس عمل شود؛ بلکه باید ضوابط شرعی رعایت گردد؛ لذا مسئله جواز زیارت قبور توسط زنان، در میان مذاهب اسلامی امری پذیرفته شده است؛ ولی در مقابل، وهابیت حکم حرمت را برای آن ذکر می‌کنند. محمد بن عبدالوهاب، مؤسس جریان وهابیت، در کتاب التوحید، روایتی از ابن عباس مبنی بر لعن و نفرین زیارت قبور برای زنان ذکر می‌کند^۲ و تابعین وی از آن، حکم حرمت را استنباط می‌کنند.^۳

شیعه و اهل سنت، با توجه به روایاتی که دالّ بر جواز زیارت رفتن بانوان می‌باشد، حکم به جواز آن داده‌اند.

در میان شیعیان، زیارت قبور برای زنان از جهت روایات و فتاوی فقها، استحباب دارد^۴ و در میان اهل سنت، سه حکم جواز و اباحه،^۵ کراهت^۶ و استحباب^۷ زیارت دیده می‌شود؛ حتی برخی مانند ابن حزم ظاهری، قائل به استحباب زیارت قبور هستند و آن را

۱. ابن حنبل شیبانی، أحمد، مسند أحمد بن حنبل، ج ۲، ص ۳۹۸.

۲. ابن عبدالوهاب، محمد، کتاب التوحید، ص ۶۷.

۳. تمیمی، عبدالرحمن، فتح المجید، ص ۲۵۰؛ ابن عثیمین، محمد، القول المفید، ج ۱، ص ۴۳۰.

۴. «و هي مستحبة إجماعاً نصاً و فتوی»؛ (بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة، ج ۴، ص ۱۶۹).

۵. بغوی، حسین، شرح السنة، ج ۲، ص ۴۱۷.

۶. همان.

۷. شرنبلالی، حسن بن عمار، مراقی الفلاح شرح متن نور الإيضاح، ص ۲۲۸؛ طحطاوی، احمد، حاشیة الطحطاوي، ص ۶۲۰.

یک بار در طول عمر، واجب می دانند.^۱ اهل سنت معتقدند که روایات نهی از زیارت بانوان، نسخ شده است.

در این مقاله زیارت قبور توسط زنان به صورت تطبیقی میان مذاهب اسلامی و وهابیت و همچنین واکاوی ادله طرفین بر حکم جواز و عدم جواز مورد بررسی قرار گرفته است. پیروی از سیره و سنت نبوی ایجاب می کند که در راستای دفاع از حق، ادله و اسناد طرفین مورد مطالعه و بررسی قرار بگیرد؛ چنان که بعضی از وهابیون مانند البانی، به دلیل رسیدن به این هدف مهم، در این زمینه تحقیقاتی انجام داده اند و برخلاف تفکرات ابن عبدالوهاب، استحباب زیارت را قائل شده اند و در مقام دفاع، به مهم ترین اشکالاتی که وهابیون در این زمینه داشته اند، پاسخ داده اند؛^۲ در ذیل، ابتدا سخنان ابن عبدالوهاب ذکر می شود و سپس، دیدگاه علمای مذاهب اسلامی و ادله آنها بر جواز زیارت قبور زنان ذکر می گردد.

ابن عبدالوهاب و زیارت زنان

در باب «ما جاء أن الغلو في قبور الصالحين...»، روایتی از «ابن عباس» نقل شده است: «وعن ابن عباس قال: لعن رسول الله ۶ زائرات القبور، والمتخذين عليها المساجد والسرج».^۳

شیخ عبدالوهاب ذیل مسئله نهم و دهم تصریح می کند که رفتن زن ها برای زیارت و همچنین روشن کردن چراغ بر روی قبر، مورد لعن قرار گرفته است.^۴ وهابیون به این نکته اذعان دارند که مقتضا و مستفاد از حکم لعن، حرمت است؛^۵ بنابراین زیارت قبور زنان را حرام می دانند. آنها معتقدند معصیتی که با لعن یا وعید دوزخ همراه باشد، علاوه بر حکم حرمت، از گناهان کبیره نیز محسوب می شود؛^۶ چنان که ابن عثیمین در شرح

۱. ابن حزم ظاهری، علی، المحلی بالآثار، ج ۳، ص ۳۸۸.

۲. البانی، محمد، أحكام الجنائز، ج ۱، ص ۱۸۰.

۳. ابن عبدالوهاب، محمد، کتاب التوحید، ص ۶۷.

۴. همان، ص ۶۹.

۵. «فاللعن يقتضي التحريم»؛ (ابن جبرین، عبدالله، فتاوی فی التوحید، ص ۴۱).

۶. «وأخذ العلماء من ذلك أن الزيارة للنساء محرمة؛ لأن اللعن لا يكون إلا على محرم، بل يدل على أنه من الكبائر؛ لأن العلماء ذكروا أن المعصية التي يكون فيها لعن أو فيها وعيد بالنار هذه تكون من الكبائر»؛ (بن باز، عبدالعزيز، فتاوی نور علی الدرب، ص ۲۴۲).



کتاب التوحید به این مسئله اذعان داشته است.^۱

بررسی سند روایت لعن، نسبت به زیارت قبور زنان

روایتی که ابن عبدالوهاب به آن استناد کرده، در کتب متعدّد اهل سنت، با سند «حدثنا هاشم، حدثنا شعبة، عن محمد بن جحادة، عن أبي صالح، عن ابن عباس»، روایت شده است^۲ که در ذیل، سند آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در سند این روایت، نام «أبو صالح» وجود دارد و اسم وی «بازام» است که بسیاری از بزرگان مانند نسایی، أبوحاتم، عقیلی، ابن عدی، ابن الجارود، أبوأحمد الحاکم، ابن-حبان و دیگران وی را تضعیف کرده‌اند.^۳ ابن حجر عسقلانی علاوه بر تضعیف^۴ وی را مدلس نیز می‌داند.^۵

ألبانی نیز این روایت را ضعیف دانسته است.^۶ وی ضعف راوی مذکور را به جمهور علما نسبت می‌دهد و بیان می‌کند که به جز «عجلی»، هیچ کس وی را توثیق نکرده است.^۷

قفیلی محقق کتاب التوحید نیز، روایت فوق را ضعیف دانسته و در ادامه به ضعف أبوصالح اشاره کرده و سخنان بزرگان را نسبت به تضعیف راوی ذکر می‌کند.^۸

محقق کتاب فتح المجید، روایت را ضعیف می‌داند و معتقد است، بدون جمله «المتخذین علیها المساجد والسرّج» روایت صحیح می‌باشد؛^۹ در حالی که حدیث «لعن الله زوّارات القبور»^{۱۰} یا «لعن رسول الله زوّارات القبور»، بدون عبارت فوق، با دو سند در کتب

۱. «تحريم زيارة النساء للقبور، بل إنها من كبائر الذنوب؛ لهذا الحديث»؛ (ابن عثيمين، محمد، القول المفيد، ج ۱، ص ۴۳۰).

۲. ابن حنبل، أحمد، مسند أحمد، ج ۵، ص ۱۲۸؛ سجستاني، سليمان، سنن أبي داود، ج ۳، ص ۲۱۸؛ نسائي، أحمد، السنن الصغرى، ج ۴، ص ۹۴.

۳. ابن حنبل، أحمد، مسند أحمد، تحقيق الأرئوط، ج ۳، ص ۴۷۱.

۴. ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی، التلخیص الحبير، ج ۲، ص ۳۱۳؛ همان، تقریب التهذیب، ص ۱۲۰.

۵. ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی، تقریب التهذیب، ص ۱۲۰.

۶. ألبانی، محمد، ضعیف موارد الظمان، ص ۵۰.

۷. همان، إرواء الغلیل، ج ۳، ص ۲۱۲.

۸. ابن عبدالوهاب، محمد، کتاب التوحید، ص ۶۸.

۹. تمیمی، عبدالرحمن، فتح المجید، ص ۲۵۰.

۱۰. طيالسی، أبوداود، مسند أبي داود، ج ۴، ص ۱۱۳؛ بیهقی، أحمد، السنن الكبرى، ج ۴، ص ۱۳۰.

حدیثی ذکر شده است که آن دو سند عبارت‌اند از:

۱. «عن سفیان، عن عبدالله بن عثمان بن خثیم، عن عبدالرحمن بن بهمان، عن عبدالرحمن بن حسان بن ثابت، عن أبيه، قال: لعن رسول الله زوارات القبور».^۱
۲. «حدثنا يحيى بن إسحاق، حدثنا أبو عوانة، عن عمر بن أبي سلمة، عن أبيه، عن أبي هريرة، قال: "لعن رسول الله زوارات القبور».^۲

هر دو سند روایت فوق ضعیف است؛ چنان‌که قفیلی نیز به آن اشاره کرده است.^۳ در سند اول نام دو راوی (عبدالرحمن بن بهمان، عبدالرحمن بن حسان) وجود دارد که هر دوی آنها مجهول هستند.^۴ ابن‌مدینی در وصف عبدالرحمن بن بهمان، وی را مجهول ذکر کرده است.^۵ شعیب‌ارنؤوط نیز ابن‌بهمان را مجهول و سند روایت را ضعیف ذکر کرده است.^۶

در سند دوم نیز، نام عمر بن‌ابی‌سلمه وجود دارد که ضعیف شمرده می‌شود.^۷ شعبه و یحیی بن معین وی را ضعیف می‌دانند^۸ و نسایی و جوزجانی او را در حدیث قوی ندانسته‌اند.^۹ ابن‌سعد، أبو حاتم^{۱۰} و ابن‌خزیمه^{۱۱} قائلند که به حدیثش نمی‌توان استدلال نمود و برخی احادیث او را واهی و پوچ بیان کرده‌اند؛^{۱۲} بعضی از بزرگان نیز نام وی را در شمار راویان ضعیف بر شمرده‌اند.^{۱۳}

۱. ابن‌ماجه قزوینی، محمد، سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۵۰۲؛ ابن‌حنبل، أحمد، مسند أحمد، ج ۲۴، ص ۴۲۴.

۲. ابن‌حنبل، أحمد، مسند أحمد، ج ۱۴، ص ۳۰۵.

۳. ابن‌عبدالوهاب، محمد، کتاب التوحید، ص ۶۸.

۴. همان.

۵. «ابن‌المدینی: لا نعرفه»؛ (ابن‌حجر عسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۱۴۹)؛ (ذهبی، محمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ج ۲، ص ۵۵۱).

۶. ابن‌حنبل، أحمد، مسند أحمد، ج ۲۴، ص ۴۲۴.

۷. ابن‌عبدالوهاب، محمد، کتاب التوحید، ص ۶۸.

۸. ابن‌حجر عسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۴۵۷.

۹. همان.

۱۰. همان، ص ۴۵۶.

۱۱. ذهبی، محمد، سیر أعلام النبلاء، ج ۶، ص ۱۳۴.

۱۲. ابن‌حجر عسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۴۵۶.

۱۳. ذهبی، محمد، المغنی فی الضعفاء، ج ۲، ص ۴۶۸؛ قفیلی، محمد، الضعفاء الکبیر، ج ۳، ص ۱۶۴.



مذاهب اسلامی و زیارت زنان

مذاهب اسلامی با توجه به روایاتی که دال بر جواز زیارت رفتن بانوان می‌باشد، آن را جایز دانسته‌اند که در ذیل، دیدگاه هر کدام ذکر می‌گردد.

اهل سنت و زیارت قبور زنان

علمای اهل سنت در مسئله زیارت قبر توسط زنان، قائل به جواز و اباحت زیارت شده‌اند؛^۱ برخی از آنها استحباب زیارت^۲ را قائل شده‌اند و بعضی قائل به کراهت هستند.^۳ علت قول کراهت، به دلیل روایاتی است که درباره منع زیارت زنان بیان شده است.^۴ از آن جایی که در برابر روایت منع، احادیث جواز بر زیارت قبور وجود دارد (مانند روایتی که از ابن بریده در کتب حدیثی ذکر شده است)،^۵ برخی از بزرگان اهل سنت فقط به روایات ترخیص تمسک کرده و قائل به جواز زیارت شده‌اند؛^۶ ولی علمای دیگر در مواجهه با این دو دسته از روایات، بین آنها را جمع کرده‌اند که برخی از آنان عبارت‌اند از:

۱. اکثرا گفته‌اند: زنها تا از فتنه‌ها در امان باشند، اجازه زیارت دارند؛^۷ از جمله،

۱. «فَدَهَبَ بَعْضُ أَهْلِ الْعِلْمِ إِلَى أَنْ هَذَا كَانَ قَبْلَ تَرْخِيصِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي زِيَارَةِ الْقُبُورِ، فَلَمَّا رَخَّصَ، دَخَلَ فِي الرُّخْصَةِ الرَّجَالُ وَالنِّسَاءُ، وَدَهَبَ بَعْضُهُمْ إِلَى أَنَّهُ كَرِهَ لِلنِّسَاءِ زِيَارَةَ الْقُبُورِ، لِقِلَّةِ صَبْرِهِنَّ، وَكَثْرَةِ جَزَعِهِنَّ»؛ (بغوی، حسین، شرح السنة، ج ۲، ص ۴۱۷)؛ «رخص مالك وبعض الاحناف ورواية عن أحمد وأكثر العلماء، في زيارة النساء للقبور، لحديث عائشة...»؛ (سابق، سید، فقه السنة، ج ۱، ص ۵۶۶).

۲. «تدب زیارتها» من غیر آن یطأ القبور للرجال والنساء»؛ (شربلالی، حسن بن عمار، مراقی الفلاح شرح متن نور الإيضاح، ص ۲۲۸)؛

«الأصح أن الرخصة ثابتة للرجال والنساء فتدب لهن أيضا "على الأصح"؛ (طحطاوی، احمد، حاشية الطحطاوي، ص ۶۲۰).

۳. «والذي قطع به الجمهور أنها مكروهة لهن كراهة تنزيه»؛ (نوی، یحیی بن شرف، المجموع شرح المهذب، ج ۵، ص ۳۱۰).

۴. «قال أصحابنا: يكره زيارة القبور للنساء لما روى أبو هريرة أن النبي ﷺ "لعن زوارات القبور"؛ (رويانی، عبدالواحد، بحر المذهب، ج ۲، ص ۶۰۲).

۵. «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ، حَدَّثَنَا مُعَرَّفُ بْنُ وَاصِلٍ، عَنْ مُحَارِبِ بْنِ دِثَارٍ، عَنِ ابْنِ بُرَيْدَةَ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ، فَوُزُّوْهَا، فَإِنْ فِي زِيَارَتِهَا تَذَكُّرَةٌ»؛ (ابوداود سجستانی، سلیمان، سنن أبي داود، ج ۳، ص ۲۱۸، ح ۳۲۳۵).

۶. ترمذی، محمد، سنن الترمذی، ج ۲، ص ۳۶۳.

۷. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۳، ص ۱۴۸؛ شوکانی، محمد، نیل الأوطار، ج ۴، ص ۱۳۴.

روایانی که در کتابش به این مسئله تصریح کرده است.^۱

۲. بعضی قائل به کراهت زیارت زنان شده‌اند؛ چراکه صبرشان کمتر و جزع آنها بیشتر است.^۲

۳. قرطبی می‌گوید: نفرین در این حدیث، اختصاص به زنانی دارد که زیاد به زیارت قبور می‌روند و صیغه مبالغه (زوّارات) به این معنا دلالت دارد؛ البته شاید سبب نهی چنین زنانی از زیارت قبور، عواقب آن باشد؛ مانند از بین رفتن حقّ همسر، زینت و خودنمایی، فریاد زدن و امثال آن؛ لذا چنان‌چه از تحقیق نیافتن این عواقب مطمئن باشیم، مانعی ندارد که زنان به زیارت قبور روند؛ زیرا یادآوری آخرت چیزی است که هم مردان و هم زنان، به آن نیازمند هستند.^۳

شوکانی هم، سخن قرطبی را پذیرفته و می‌گوید: این سخن شایسته اعتماد در جمع بین احادیثی است که به ظاهر متعارض می‌باشند.^۴ مبارکفوری نیز در کتاب تحفة الأحوذی، پس از نقل سخن قرطبی می‌گوید: آن‌چه قرطبی می‌گوید چیزی است که ظاهر حدیث بر آن دلالت دارد.^۵

ادله اهل سنت بر جواز زیارت قبور زنان

بزرگان اهل سنت نسبت به حکم جواز زیارت زنان، به روایاتی استدلال کرده‌اند که عبارت‌اند از:

الف: تقریر پیامبر ﷺ در روایت صحیح بخاری

در کتاب صحیح بخاری روایتی از «أنس بن مالک» نقل شده است که می‌گوید:
«حَدَّثَنَا آدَمُ، حَدَّثَنَا شُعْبَةُ، حَدَّثَنَا ثَابِتٌ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ:
مَرَّ النَّبِيُّ ﷺ بِأَمْرَأَةٍ تَبْكِي عِنْدَ قَبْرِ، فَقَالَ: اتَّقِي اللَّهَ وَاصْبِرِي. قَالَتْ: إِلَيْكَ عَنِّي،

۱. «لعن زوارات القبور... كان هذا قبل أن يرخص النبي ﷺ في زيارة القبور فلما رخص دخل في رخصته الرجال والنساء، وهذا أصح عندي إذا أمنت الافتتان والتعدي عما فيه رضي الله تعالى»؛ (روایانی، عبدالواحد، بحر المذهب، ج ۲، ص ۶۰۲).

۲. ترمذی، محمّد، سنن الترمذی، ج ۲، ص ۳۶۳؛ بغوی، حسین، شرح السنة، ج ۲، ص ۴۱۷.

۳. قرطبی، أحمد، المفهم لما أشكل من كتاب تلخيص مسلم، ج ۲، ص ۶۳۳؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباري شرح صحیح البخاری، ج ۳، ص ۱۴۹.

۴. شوکانی، محمّد، نیل الأوطار، ج ۴، ص ۱۳۵.

۵. مبارکفوری، عبدالرحمن، تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی، ج ۴، ص ۱۳۷.



فَأَنَّكَ لَمْ تُصَبِّ بِمُصِيبَتِي، وَلَمْ تَعْرِفْهُ، فَقِيلَ لَهَا: إِنَّهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَأَتَتْ بَابَ النَّبِيِّ، فَلَمْ تَجِدْ عِنْدَهُ بَوَائِينَ، فَقَالَتْ: لَمْ أَعْرِفْكَ، فَقَالَ: إِنَّمَا الصَّبْرُ عِنْدَ الصَّدْمَةِ الْأُولَى»^۱.

روزی پیامبر ﷺ زنی را در کنار قبری دید که گریه می کرد. به او فرمود: تقوای الهی پیشه کن و صبر نما. آن زن گفت: دور شو، تو که مبتلا به مصیبت من نشده ای تا بدانی گرفتار چه مصیبتی شده ام. شخصی به آن زن گفت: او پیامبر ﷺ بود. آن زن به در خانه پیامبر ﷺ آمد و هیچ نگهبانی نبود. زن به پیامبر ﷺ عرض کرد: من شما را نشناختم. پیامبر ﷺ فرمود: صبر حقیقی، صبر در مصیبت اول است.

ابن حجر عسقلانی می نویسد: از اینکه پیامبر ﷺ عمل وی را منع نکردند، حکم به جواز زیارت ثابت می شود؛ چراکه تقریر پیامبر ﷺ حجت می باشد.^۲ عینی نیز در شرح روایت فوق، رفتن به زیارت قبور را برای مرد و زن جایز می داند و به نقل از نووی جواز را به جمهور علما نسبت می دهد.^۳ علاوه بر عالمان اهل سنت،^۴ البانی نیز از روایت فوق جواز زیارت را استنباط کرده است.^۵

ب: روایت عایشه در جواز زیارت بانوان

«عن عبدالله بن أبي مليكة، أن عائشة أقبلت ذات يوم من المقابر فقلت لها: يا أم المؤمنين من أين أقبلت؟ قالت: من قبر أخي عبدالرحمن بن أبي بكر. فقلت لها: أليس كان رسول الله نهى عن زيارة القبور؟ قالت: نعم كان نهى ثم أمر بزيارتها».^۶ روزی عایشه از قبرستان می آمد، به او گفتم: از کجا می آیی؟ گفت: از کنار قبر برادرم عبدالرحمن بن ابی بکر.

۱. بخاری، محمد، صحیح البخاری، ج ۲، ص ۷۹.

۲. «... ویؤید الجواز حدیث الباب وموضع الدلالة منه أنه لم ينكر على المرأة قعودها عند القبر وتقريره حجة»؛ (ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۳، ص ۱۴۸).

۳. «جواز زیارة القبور مطلقاً، سواء كان الزائر رجلاً أو امرأة، وسواء كان المزور مسلماً أو كافراً لعدم الفصل في ذلك. وقال النووي: وبالجملة قطع الجمهور»؛ (عینی، محمود، عمدة القاری، ج ۸، ص ۶۸).

۴. «ومنها ما أخرجه البخاري: أن النبي - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - مرَّ بامرأة تبكي عند قبر فقال: أتقي الله وأصبري، قالت: إليك عني، الحديث، ولم ينكر عليهما الزيارة»؛ (شوكاني، محمد، نيل الأوطار، ج ۴، ص ۱۳۴)؛ (سابق، سيد، فقه السنة، ج ۱، ص ۵۶۷).

۵. الباني، محمد، أحكام الجنائز، ج ۱، ص ۱۸۴.

۶. بيهقي، أحمد، السنن الكبرى، ج ۴، ص ۱۳۱.

گفتم: آیا رسول خدا ﷺ از زیارت قبور نهی نکرده بود؟ گفت: آری، ابتدا نهی کرده بود و سپس دستور به زیارت قبور داد.

و همچنین روایتی که ابی ملیکه می گوید: از عایشه شنیدم که گفت: پیامبر ﷺ زیارت قبور را اجازه داد.^۱

بعضی از عالمان اهل سنت در حکم جواز زیارت، به روایت فوق اشاره کرده اند.^۲ البانی نیز هر دو روایت را ذکر کرده است.^۳

ج: پیامبر ﷺ و تعلیم زیارت به عایشه

عایشه از پیامبر ﷺ نقل می کند که آن حضرت به من فرمودند:

«... فَقَالَ: إِنَّ رَبَّكَ يَا مُرْكُ أَنْ تَأْتِيَ أَهْلَ الْبَقِيْعِ فَتَسْتَغْفِرَ لَهُمْ، قَالَتْ: قُلْتُ: كَيْفَ أَقُولُ لَهُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ "قُولِي: السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ، وَيَرْحَمُ اللَّهُ الْمُسْتَفْدِمِينَ مِنَّا وَالْمُسْتَأْخِرِينَ، وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لِلْآحِقُونَ»؛^۴ پروردگارت به تو امر می کند که به قبرستان برو و برای آنان طلب استغفار کن. گفتم: در کنار قبرها چه بگویم؟ پیامبر ﷺ فرمودند: بگو:...

علاوه بر علمای اهل سنت،^۵ البانی^۶ نیز در حکم به جواز زیارت، به روایت فوق استدلال کرده است.

د: زیارت قبر حضرت حمزه رضی الله عنه توسط حضرت فاطمه رضی الله عنها

«عن علي بن الحسين^۷، عن أبيه: أن فاطمة بنت النبي^۶ كانت تزور قبر عمها حمزة كل جمعة فتصلي وتبكي عنده»؛^۷ فاطمه دختر پیامبر ﷺ هر جمعه

۱. «حدثنا إبراهيم بن سعيد الجوهري قال: حدثنا روح قال: حدثنا بسطام بن مسلم، قال سمعت أبا التياح، قال: سمعت ابن-أبي مليكة، عن عائشة، أن رسول الله ﷺ، رخص في زيارة القبور»؛ (ابن ماجه قزوینی، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۰۰، ح ۱۵۷۰).

۲. مبارکفوری، عبدالرحمن، تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی، ج ۴، ص ۱۳۷؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۳، ص ۱۴۹؛ ابن عبدالبر، یوسف، التمهید، ج ۳، ص ۲۳۳؛ سابق، سید، فقه السنة، ج ۱، ص ۵۶۶.

۳. البانی، محمد، أحكام الجنائز، ج ۱، ص ۱۸۴.

۴. نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۷۰.

۵. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، التلخیص الحبیر، ج ۲، ص ۳۱۴؛ شوکانی، محمد، نیل الأوطار، ج ۴، ص ۱۳۴؛ سابق، سید، فقه السنة، ج ۱، ص ۵۶۶.

۶. البانی، محمد، أحكام الجنائز، ج ۱، ص ۱۸۲.

۷. حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۵۳۳؛ بیهقی، احمد، السنن الکبری، ج ۴، ص ۱۳۱.



به زیارت قبر عمویش حمزه علیه السلام می‌رفت؛ در آنجا نماز می‌خواند و در کنار قبر گریه می‌کرد.

بعضی از بزرگان اهل سنت^۱ در جواز زیارت به روایت فوق اشاره کرده‌اند.

شیعه و زیارت قبور زنان

در میان بزرگان و فقهای شیعه، سه حکم جواز،^۲ استحباب و کراهت وجود دارد.^۳ نظر اکثریت فقهای شیعه بر استحباب زیارت قبور زنان می‌باشد؛^۴ برخی استحباب آن را با شرط صبر و عدم جزع ذکر کرده‌اند؛^۵ ولی برخی مانند محقق حلّی و علمای بعد از او، قائل به کراهت شده‌اند.^۶

لازم به ذکر است که علّت فتوای کراهت، در خصوص زیارت زنان نیست؛^۷ بلکه کراهت به دلیل آن است که محفوظ ماندن زن از چشم نامحرمان برای او ارجحیت دارد؛^۸ لذا برخی بزرگان بعد از حکم جواز می‌نویسند که شایسته است، هیچ مردی او را نبیند.^۹ محقق حلّی نیز در ابتدا، برای جواز، به سیره حضرت زهرا علیها السلام در زیارت قبر حمزه علیه السلام در شب‌ها و نیز رفتن عایشه به زیارت قبر برادرش استدلال کرده است؛ سپس برای کراهت چنین دلیل آورده است که ستر و پوشش و صیانت برای زنان اولویت دارد.^۱

۱. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، التلخیص الحبیر، ج ۲، ص ۳۱۳؛ شوکانی، محمد، نیل الأوطار، ج ۴، ص ۱۳۴؛ ابن عبدالبر، یوسف، التمهید، ج ۳، ص ۲۳۴.
۲. اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة، ج ۲، ص ۴۸۹.
۳. بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة، ج ۴، ص ۱۶۹.
۴. همان.
۵. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، العروة الوثقی مع تعالیک الإمام الخمینی، ص ۲۲۷؛ طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۴۴۳.
۶. «و هي مستحبة إجماعاً نصاً و فتوی إلا ان المحقق في المعتمد و جمعا ممن تأخر عنه خصوا ذلك بالرجال و كرهوه للنساء»؛ (بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة، ج ۴، ص ۱۶۹).
۷. «و حينئذ فالكراهة بالنسبة الى النساء انما هو باعتبار أمر آخر لا من حيث الزيارة كما أطلقه في المعتمد، إذ ليس مجرد الزيارة مستلزماً لهتك الستر و الصيانة و الا لاستلزم كراهة خروجهن من البيوت مطلقاً و لا قائل به»؛ (بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة، ج ۴، ص ۱۷۳).
۸. محقق حلّی، جعفر بن حسن، المعتمد في شرح المختصر، ج ۱، ص ۳۴۰.
و أما الكراهية لهن فلان الستر و الصيانة أولى بهن.
۹. «فالظاهر عدم الكراهة للنساء أيضا زيارة قبور أقاربهم (هن خ ل)، فالانمة عليهم السلام بالطريق الاولى. و ينبغي كون ذلك بحيث لا يراهن الرجال»؛ (اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة، ج ۲، ص ۴۸۹).

دارد.^۱

دلایل روایی شیعه بر جواز زیارت قبور زنان

در کتب روایی شیعه، وجود روایات زیادی در باب چگونگی زیارت قبور مؤمنان توسط مردان و زنان، دلالت بر جواز حکم آن دارد؛^۲ همچنین بابی مستقل در استحباب زیارت قبور مؤمنین وجود دارد که به صورت مطلق ذکر شده است؛^۳ لذا برخی بزرگان، مانند مرحوم نراقی از مقتضای اطلاق روایات، استحباب زیارت قبر توسط زنان را (تا زمانی که متضمن مفسده ای نباشد)، استفاده کرده‌اند.^۴

غیر از اطلاق روایات فوق، روایات دیگری به صورت خاص وجود دارد که جواز زیارت بانوان را اثبات می‌کند. یکی از این روایات که به خوبی دلیل بر جواز زیارت قبور زنان^۵ و بلکه دلیل بر استحباب آن می‌باشد،^۶ سیره عملی حضرت فاطمه علیها السلام است که

۱. محقق حلی، جعفر بن حسن، المعتمد فی شرح المختصر، ج ۱، ص ۳۴۰-۳۳۹.

۲. صیمری، مفلح، کشف الالتباس عن موجز أبي العباس، ص ۳۱۳.

۳. «بَابُ اسْتِحْبَابِ زِيَارَةِ قُبُورِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الدُّعَاءِ لَهُمْ وَ تِلَاوَةِ الْقَدْرِ سَبْعًا عِنْدَ ذَلِكَ»؛ (حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۹۱).

۴. «و مقتضی إطلاقها: الاستحباب للنساء إذا لم تتضمن مفسدة»؛ (نراقی، احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعة، ج ۳، ص ۳۲۰).

۵. «و قد ورد في الأخبار المعتبرة زيارة فاطمة عليها السلام قبور الشهداء في الأسبوع مرتين، الاثنين والخميس وفي كل غداة سبت، و استغفارها لحمزة فالظاهر عدم الكراهة للنساء أيضا زيارة قبور أقاربهم (هن خ ل)، فالائمة عليهم السلام بالطريق الاولى. و ينبغي كون ذلك بحيث لا يراهن الرجال: و يحتمل اختصاصها بها عليها السلام لعصمتها و معلومية سترها عن العيون»؛ (اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، ج ۲، ص ۴۸۹)؛ «الرابع: يجوز للنساء زيارة القبور ... و من طريق الخاصة: ما رواه الشيخ عن يونس، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن فاطمة عليها السلام كانت تأتي قبور الشهداء في كل غداة سبت، فتأتي قبر حمزة و تترحم عليه و تستغفر له»؛ (علامه حلی، حسن بن يوسف، منتهی المطلب، ج ۷، ص ۴۳۰).

۶. «و قد ورد في الأخبار المعتبرة زيارة فاطمة ع قبور الشهداء في الأسبوع مرتين في الإثنين والخميس وفي كل سبت و استغفارها لحمزة و يستفاد منه استحباب زيارة النساء قبور المؤمنین و ينبغي كون ذلك بحيث لا يراهن الرجال و يحتمل اختصاصها صلوات الله عليها بذلك لعصمتها و معلومية سترها عن العيون»؛ (محقق سبزواری، محمد باقر، ذخيرة المعاد فی شرح الإرشاد، ج ۲، ص ۳۴۱)؛ «الحديث الثالث: حسن. " و الكشر التبسم" ذكره الجوهري و يدل على استحباب الزيارة في اليومين و للنساء قولها عليهما السلام ههنا كان أي كانت ترى نساءها موضع الرسول صلى الله عليه وآله و موضع المشركين عند القتال في غزوة أحد فان تذكر تلك الأمور يصير سببا لمزيد الحزن و الاهتمام في الزيارة»؛ (مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول، ج ۱۴، ص ۱۹۳)؛ «الخامس و الثلاثون زيارة قبور المؤمنین و السلام عليهم بقول السلام عليكم يا أهل الديار إلخ و قراءة القرآن و طلب الرحمة و المغفرة لهم و يتأكد في يوم الإثنين و الخميس خصوصا عصره و صبيحة السبت للرجال و النساء بشرط عدم الجزع و الصبر»؛ (يزدی طباطبایی، سيد محمد كاظم، العروة الوثقى، ج ۱، ص ۴۴۳).



هر هفته، در روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه، قبور شهدا را زیارت می‌کردند؛ همچنین در روایات آمده است که آن حضرت علیه السلام قبر عمویش حضرت حمزه علیه السلام را هر هفته، صبح‌های شنبه زیارت می‌نمود و برایش طلب استغفار می‌کرد؛ چنان‌که در کتاب کافی، باب «زِيَارَةُ الْقُبُورِ»، حدیث سوم آمده است:

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ أَبِي-عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: عَاشَتْ فَاطِمَةُ ٣ بَعْدَ أَبِيهَا خَمْسَةَ وَ سَبْعِينَ يَوْمًا لَمْ تُرْكَابِ شِرَّةً وَلَا ضَاحِكَةً، تَأْتِي قُبُورَ الشُّهَدَاءِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ مَرَّتَيْنِ: الْإِثْنَيْنِ، وَ الْخَمِيسِ، فَتَقُولُ: هَاهُنَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ٦، هَاهُنَا كَانَ الْمُشْرِكُونَ»؛^۱ فاطمه علیها السلام پس از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هفتاد و پنج روز زنده بود و در این مدت بشاش و متبسم دیده‌نشده و هر هفته دو بار، روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه به زیارت قبور شهدا می‌رفت و گاهی محلّ استقرار مشرکان در اُحد و همچنین جایگاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را به همراهانش معرفی می‌کرد.

این روایت همچنین در باب «إِثْبَاتِ الْمَشَاهِدِ وَ قُبُورِ الشُّهَدَاءِ»، حدیث سوم، با سند «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ» نقل شده است.^۲

نتیجه

محمد بن عبدالوهاب در کتاب التوحید، از روایتی که مضمون آن لعن و نفرین زیارت کنندگان زن می‌باشد، استفاده کرده و تابعین وی با استفاده از این روایت، قائل به حرمت زیارت قبور زنان می‌باشند. حال آنکه اولاً، این روایت طبق تصریح برخی از محققین کتاب التوحید و بنابر اذعان برخی از تابعین فکری ابن عبدالوهاب (مانند البانی)، ضعیف می‌باشد و ثانیاً حکم به حرمت زیارت قبور توسط زنان، برخلاف جمهور اهل-سنت و شیعیان می‌باشد.

حکم به جواز زیارت رفتن بانوان توسط مسلمانان، طبق روایات جواز، مانند تقریر پیامبر صلی الله علیه و آله و عمل صحابه، مسئله‌ای ثابت شده و مسلم می‌باشد؛ لذا برخلاف پندار محمد بن عبدالوهاب، نمی‌توان به روایت وی برای حکم به حرمت زیارت قبور برای بانوان تمسک کرد.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۵، ص ۵۶۵.

۲. همان، ج ۹، ص ۲۷۶.

منابع

١. اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الأذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ اول، ١٤٠٣ق.
٢. بحرانی، يوسف بن احمد، الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ اول، ١٤٠٥ق.
٣. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، چاپ اول، ١٤٠٩ق.
٤. صيمری، مفلح بن حسن، كشف الالتباس عن موجز أبي العباس، قم: مؤسسه صاحب الأمر عليه السلام، چاپ اول، ١٤١٧ق.
٥. علامه حلّی، حسن بن يوسف، منتهی المطلب في تحقيق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، چاپ اول، ١٤١٢ق.
٦. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، تهران: چاپ دوم، ١٤٠٤ق.
٧. محقق حلّی، جعفر بن حسن، المعتمد في شرح المختصر، قم: مؤسسه سيد الشهداء عليه السلام، چاپ اول، ١٤٠٧ق.
٨. محقق سبزواری، محمد باقر، ذخيرة المعاد في شرح الإرشاد، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، چاپ اول، ١٢٤٧ق.
٩. نراقی، احمد بن محمد، مستند الشيعة في أحكام الشريعة، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، چاپ اول، ١٤١٥ق.
١٠. كليني، محمد بن يعقوب، کافی، قم: نشر دارالحديث، چاپ اول، ١٤٢٩ق.
١١. ابن حزم ظاهري، على، المحلى بالآثار، بيروت: دارالفكر، بی تا.
١٢. ابن حنبل شيباني، أحمد، مسند أحمد بن حنبل، تحقيق: شعيب الأرنؤوط و عادل مرشد و دیگران، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ١٤٢١ق.
١٣. ابن عبدالبر، يوسف، التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد، تحقيق: مصطفى بن أحمد العلوي و محمد عبدالكبير البكري، مغرب: وزارة عموم الأوقاف والشؤون الإسلامية، ١٣٨٧ق.
١٤. ابوداود سجستاني، سليمان، سنن أبي داود، تحقيق: محمد محيي الدين عبدالحميد، بيروت: المكتبة العصرية، بی تا.
١٥. ألباني، محمد ناصرالدين، أحكام الجنائز، بيروت: المكتب الإسلامي، چاپ چهارم، ١٩٨٦م.
١٦. ألباني، محمد ناصرالدين، إرواء الغليل في تخريج أحاديث منار السبيل، بيروت: المكتب الإسلامي، چاپ دوم، ١٤٠٥ق.
١٧. ألباني، محمد ناصرالدين، ضعيف موارد الظمان إلى زوائد ابن حبان، رياض: دارالصمعي،



- چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۱۸. بغوی، حسین، شرح السنة، تحقیق: شعيب الأرنؤوط، محمد زهير الشاويش، بيروت: المكتب الإسلامي، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۱۹. بن باز، عبدالعزيز، فتاوى نور على الدرب، بی جا: بی نا، بی تا.
۲۰. ابن جبرین، عبدالله، فتاوى في التوحيد، رياض: دارالوطن للنشر، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۲۱. بیهقی، أحمد، السنن الكبرى، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بيروت: دارالکتب العلمية، چاپ سوم، ۱۴۲۴ق.
۲۲. ترمذی، محمد، سنن الترمذی، تحقیق: بشار عواد معروف، بيروت: دارالغرب الإسلامي، ۱۹۹۸م.
۲۳. تمیمی، عبدالرحمن، فتح المجید شرح کتاب التوحيد، تحقیق: محمد حامد الفقی، قاهره: السنة المحمدية، چاپ هفتم، ۱۳۷۷ق.
۲۴. حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک على الصحيحین، تحقیق: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دارالکتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۲۵. ذهبی، محمد، میزان الاعتدال في نقد الرجال، تحقیق: بجاوی علی محمد، بيروت: دارالمعرفة للطباعة والنشر، چاپ اول، ۱۳۸۲ق.
۲۶. ذهبی، محمد، المغني في الضعفاء، تحقیق: نورالدين عتر، بی جا: بی تا، بی نا.
۲۷. ذهبی، محمد، سير أعلام النبلاء، تحقیق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ سوم، ۱۴۰۵ق.
۲۸. روایانی، عبدالواحد بن إسماعيل، بحر المذهب، تحقیق: طارق فتحي السيد، بيروت: دارالکتب العلمية، چاپ اول، ۲۰۰۹م.
۲۹. سابق، سيد، فقه السنة، بيروت: دارالكتاب العربي، چاپ سوم، ۱۳۹۷ق.
۳۰. شرنبلالی، حسن بن عمار، مراقي الفلاح شرح متن نور الإيضاح، بی جا: المكتبة العصرية، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.
۳۱. شوکانی، محمد بن علی، نیل الأوطار، تحقیق: عصام الدين الصبابطي، مصر: دارالحديث، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۳۲. طباطبایي يزدی، سيد محمد كاظم، العروة الوثقى مع تعاليق الإمام الخميني، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني قدس سره، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۳۳. طحطاوی، احمد بن محمد، حاشية الطحطاوي على مراقي الفلاح شرح نور الإيضاح، تحقیق: محمد عبدالعزيز الخالدي، بيروت: دارالکتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.

٣٤. ابن عبد الوهاب، محمد، كتاب التوحيد، تحقيق: احمد بن على القفيلى، مصر: مكتبة عباد الرحمن، چاپ اول، ١٤٢٩ق.
٣٥. ابن عثيمين، محمد، القول المفيد على كتاب التوحيد، رياض: دار ابن الجوزي، المملكة العربية السعودية، چاپ دوم، ١٤٢٤ق.
٣٦. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على، التلخيص الحبير في تخريج أحاديث الرافعي الكبير، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٩ق.
٣٧. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على، تقريب التهذيب، تحقيق: محمد عوامة، سوريه: دارالرشيد، چاپ اول، ١٤٠٦ق.
٣٨. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على، تهذيب التهذيب، هند: مطبعة دائرة المعارف النظامية، چاپ اول، ١٣٢٦ق.
٣٩. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على، فتح الباري شرح صحيح البخاري، بيروت: دارالمعرفة، ١٣٧٩ق.
٤٠. عقيلى، محمد بن عمرو، الضعفاء الكبير، تحقيق: عبدالمعطي أمين قلعجي، بيروت: دارالمكتبة العلمية، چاپ اول، ١٤٠٤ق.
٤١. عيني، محمود، عمدة القاري شرح صحيح البخاري، بيروت: دار إحياء التراث العربي، بي تا.
٤٢. قرطبي، أحمد بن عمر، المفهم لما أشكل من كتاب تلخيص مسلم، تحقيق: محي الدين ديب مستو، أحمد محمد السيد، يوسف على بديوى، محمود إبراهيم بزال، بي جا: بي تا، ١٤١٧ق.
٤٣. ابن ماجه قزوینی، محمد، سنن ابن ماجه، تحقيق: محمد فؤاد عبدالباقي، بي جا: دار إحياء الكتب العربية، بي تا.
٤٤. مبارکفوری، عبدالرحمن، تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی، بيروت: دارالكتب العلمية، بي تا.
٤٥. نسائي، احمد، السنن الصغرى، تحقيق: عبدالفتاح أبوغدة، حلب: مكتب المطبوعات الإسلامية، چاپ دوم، ١٤٠٦ق.
٤٦. نووى، يحيى بن شرف، المجموع شرح المهذب، بيروت: دارالفكر، بي تا.
٤٧. يزدى طباطبايى، سيد محمد كاظم، العروة الوثقى، بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، چاپ دوم، ١٤٠٩ق.
٤٨. طيالسى، سليمان بن داود، مسند أبي داود الطيالسي، لبنان: دارالكتاب، بي تا.



